

مجله پژوهش‌های اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال اول، شماره دوم، بهار ۱۳۸۷

سفر در اسلام*

اکرم علی بخشی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

جریان زندگی انسان در بستر لحظه‌ها، همانند سفری است که از مبدایی آغاز شده و به سوی مقصدی در حرکت است. این سفر می‌تواند تنها شامل زندگی روزمره وی باشد که در این صورت، تولد، لحظه آغاز و مرگ پایان آن خواهد بود؛ و نیز می‌تواند شامل سفر معنوی انسان باشد که در این صورت نادانی‌ای که آدمی با خود از شکم مادر آورده، مبدا سفر، و آراستگی به کمالات انسانی مقصد آن خواهد بود. در این سفر هر یک از مراحل کمال، به منزله یکی از منزلگاههاست.

از سوی دیگر، سیر در آفاق و انفس برای آدمی عبرت آموز است و انسان می‌تواند از طریق، آنچه بر دیگران گذشته، آینده خود را حدس بزند و مسیر زندگی اش را به سوی کمال، آگاهانه انتخاب نماید. در اندیشه‌های اسلامی بارها به سفر دستور داده شده و از فواید، آداب، لوازم و شرایط آن سخن به میان آمده است. در این مقاله که به شیوه سند کاوی اطلاعات مورد نیاز جمع آوری شده و به صورت توصیفی-تحلیلی یافته‌ها ارائه شده‌اند، تلاش شده است برخی از مهمترین جلوه‌های سفر مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

سفر، فواید، آداب، لوازم، اسلام.

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۱۰/۲۷ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۷/۲/۲۵

نشانی پست الکترونیک نویسنده: _____

۱- مقدمه

سفر و سیاحت در آفاق و انفس مورد اهتمام فراوان دین مبین اسلام است. زندگی از چشم انداز اندیشه های اسلامی، همچون سفری است که از لحظه تولد آغاز می شود و آدمی با گذشتن از منزلگاههای متفاوتی مانند کودکی، نوجوانی، جوانی و پیری به مقصد نهایی خود که همانا مرگ است، وارد می شود. از سوی دیگر، سرنوشت هیچ انسانی منحصر به فرد نیست. حضرت علی (ع) در وصیت به امام حسین (ع) می فرماید: پسرکم هر چند من به اندازه همه آنان که پیش از من بوده اند نزیسته ام؛ اما در کارهایشان نگریسته ام و در سرگذشتهایشان اندیشیده و در آن چه از آنان مانده و رفته، دیده ام تا چون یکی از ایشان گردیده ام، بلکه با آگاهی ای که از کارهایشان به دست آورده ام، گویی چنان است که با نخستین تا پسینشان به سر برده ام. پس، از آن چه دیدم، روشن را از تار و سودمند را از زیان بار باز شناختم (نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، نامه ۳۱، ص ۸-۲۹۷) و در ادامه می فرماید: «دلت را به اندرز زنده دار و به پارسایی بمیران، و به یقین نیرو بخش و به حکمت روشن گردان، و با یاد مرگش خوار ساز، و به اقرار به نیست شدنش وادار ساز، و به سختی های دنیایش بینا گردان، و از صولت روزگار و دگرگونی آشکار لیل و نهارش بترسان، و خبرهای گذشتگان را بدو عرضه دار، و آن چه را به آنان که پیش از تو بودند، رسید، به یادش آر. و در خانه ها و بازمانده های آنها گرد، و بنگر که چه کردند و از کجا به کجا شدند و کجا بار گشودند و در کجا فرود آمدند. آنان را خواهی دید که از کنار دوستان رخت بستند و در خانه های غربت نشستند، و چندان دور نخواهد نمود، که تو یکی از آنان خواهی بود (همان، نامه ۳۱، ص ۸-۲۹۷).

مولانا، نیز با عنایت به سخن بالا، گفته است:

کسر پیدا از پس پیشینیان	پس سپاس او را که ما را در جهان
بر قرون ماضیه اندر سبق	تا شنیدیم آن سیاست های حق
همچو روبه پاس خود داریم بیش	تا که ما از حال آن گرگان پیش
آن رسول حق و صادق در بیان	امت مرحومه زین رو خواندمان
بنگرید و پند گیرید ای مهان	استخوان و پشم آن گرگ عیان

عاقل از سر بنهد این هستی و باد
ور بنهد دیگران از حال او

چون شنید انجام فرعونان و عاد
عبرتی گیرند از اضلال او

(مثنوی، تصحیح نیکلسون، دفتر اول ص ۱۹۲)

از این رو نگاه کردن به زندگی سایر انسان‌ها که در مکان‌های دیگر و با شرایط فرهنگی و اقتصادی متفاوت زندگی می‌کنند، می‌تواند برای آدمی عبرت‌انگیز باشد. به همین سبب، آیات متعددی در قرآن کریم و احادیث گوناگونی در سخنان بزرگان دین، مسلمانان را به سفر تشویق و ترغیب می‌نماید. نباید از نظر دور داشت که زندگی درگذشتگان ما نیز حاوی پیام‌های زنده و همیشگی برای بشریت است. با سفر می‌توان آثار بر جای مانده از آن‌ها را مشاهده کرد و از سرنوشت آن‌ها قیاس گرفت و سرنوشت خویش را پیش از وقوع آن شناخت و از این راه، به اصلاح زندگی پرداخت. این امر جز به مدد سفر امکان‌پذیر نمی‌باشد.

۲- اهمیت سفر

سفر زمینه‌ساز جدایی انسان را از محیط اجتماعی و شغلی مالوف وی فراهم می‌سازد و باعث می‌شود در محیطی که کسی نسبت به او و وابستگی‌ها و نسبت‌های خانوادگی‌اش آگاهی ندارد، زندگی کند. همین امر، مایه‌های فاصله گرفتن از اعتبارات کاذب و موقتی را برای وی فراهم می‌سازد و به آدمی امکان بازنگری در ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی خویش را می‌دهد.

در حقیقت، هر گاه محیط بیرونی جاذبه‌های خود را از دست بدهد، آدمی به درون خود پناه می‌برد. در اسلام سفر دارای چنان درجه‌ای از اهمیت است که بارها مورد تأکید قرآن کریم و احادیث واقع شده است. اهمیت سفر در اسلام بی‌رابطه با نوع جهان بینی دینی نیست. از این چشم‌انداز همه آفریده‌های الهی در سفر و حرکت هستند و از سویه نقص خویش روی به کمال خود دارند. قرآن کریم که مهمترین هدف خود را هدایت انسان‌ها می‌داند، در آیات متعددی به سفر و گردش در جهان هستی دعوت می‌نماید تا آدمی به هدف دار بودن آفرینش و درک دلایل

خلقت موجودات پی ببرد. به هر حال، سفر از نقشی بسیار سازنده، هدایتگر و کمال بخش در زندگی انسان برخوردار است.

در قرآن به سیر و سفر در مواقع مختلف سفارش شده است. در آیه ۸۲ سوره غافر آمده است «افلّم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبة الذین من قبلهم، کانوا اکثر منهم و اشدّ قوّةً و آثاراً فی الارض فما اغنی عنهم ما کانوا یکسبون» در آیه ۲۱ همین سوره نیز آیه ای مشابه آمده است. همچنین در آیات دیگری از قرآن به سیر و سفر در زمین اشاره شده و در برخی از آنها برخی از احکام سفر تشریح و تبیین شده است.

در روایات نیز سفر مورد تاکید قرار گرفته است و آداب خاصی نیز برای آن برشمرده اند. پیامبر (ص) فرموده اند «سافروا تصحوا و ترزقوا» (سفر کنید تا تندرست باشید و روزی ببرید). صبح زود به سفر رفتن، دوست مناسب برای سفر برگزیدن مشورت، اگر سه نفر به سفر می روند، یکی را رئیس کنند، خرج کردن، یاد خدا و ... از آدابی است که در روایات به آنها اشاره شده است. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ۱۲۸۱-۱۲۸۲).

اسلام سفر را تا جایی مقدس می شمارد که آن را به صورت غیر مستقیم در شمار یکی از عبادات محسوب می دارد. چنانکه این امر در وجوب سفر حج و سفر جنگ یا جهاد و سفری که به قصد کسب دانش انجام می شود، به روشنی مورد تاکید قرار گرفته است. هدف هر نوع عبادت نزدیک ساختن انسان به خدا و ارزانی داشتن مقام قرب الهی به وی می باشد. هر عبادت، در واقع چیزی جز امثال فرمان خداوند و ادای حق بندگی و سپاسگزاری از نعمت های بی کران خداوند نیست. امر به سفر در قرآن با عبارات متعدد و با اهداف گوناگون بارها آمده است. طبیعتاً اجرای این فرمان الهی به نوعی، از عبادت های بزرگ شمرده می شود و نتایج و بهره های مادی و معنوی فراوانی برای آدمی به همراه دارد.

نظر به اهمیت سفر در اسلام، بسیاری از احادیث مسافران را در شمار افراد مستجاب الدعوه شمرده اند. به عنوان نمونه، توجه به دو حدیث زیر از حضرت رسول بسنده است:

۱- «ثلاث حق علی الله ان لایرد لهم دعوه : الصائم حتی یفطر و المظلوم حتی ینتصر و المسافر حتی یرجع (سه کسند که بر خدا لازمست دعایشان را رد نکند : روزه دار تا افطار کند ، و ستم‌دیده تا ستم از او دفع شود و مسافر تا به وطن خود باز گردد). (نهج الفصاحه ، ۲۶۰)

۲- «ثلاث دعوات مستجابات لاشک فیهن دعوه المظلوم و دعوه المسافر و دعوت الوالد علی ولده .» (سه دعا بدون شک مستجاب می شود : دعای ستم دیده ، و مسافر و نفرین پدر در حق فرزند) (همان ، ۲۶۱).
و همچنین پیامبر سفری را که در راه خدا انجام شود ، برتر از ۵۰ حج دانسته اند و فرموده اند : «لسفره فی سبیل الله خیر من خمسين حجه» (سفری در راه خدا از پنجاه حج بهتر است) (همان ، ۴۷۳).

۳- انواع سفر

سفر در اسلام با توجه به آیات کلام الله مجید و احادیث منقول از حضرت رسول و معصومین (ع) دارای گونه های مختلفی است که هر یک به گونه ای انسان را در مسیر تکامل روحی وی همراهی می کند . از این جهت می توان گفت که اسلام برای هر نوع سفری ، هدفی ویژه و هماهنگ با نظام آفرینش و هدف نهایی خلفت آدمی که همانا آراسته شدن به صفات الهی و دوری گزیدن از ویژگی ها و صفات حیوانی و شیطانی است ، در نظر گرفته است . عمده گونه های سفر را می توان به قرار زیر یاد کرد :

۳-۱- سفر عبادی

زندگی انسان حقیقی به دلیل آن که در مسیر الهی گام بر می دارد ، چیزی جز عبادت نیست . از این جهت ، خود عبادت جلوه های متنوعی می یابد و در بسیای از اعمال و رفتار آدمی خود را جلوه گر می سازد .

هم از این روست که حتی خواب انسان مومن نیز عبادت شمرده شده است . با این حال پاره ای از اعمال مشخصا مورد تاکید واقع شده و در اسلام رسماً عبادت شمرده شده اند و برای آن ها اعمال و مناسک جسمانی ویژه ای در نظر گرفته شده

است. یکی از این اعمال که با سفر توأم است و بدون سفر امکان پذیر نیست، حج است.

حج در لغت به معنای قصد کردن و آهنگ کردن است. (لغت نامه دهخدا، ذیل حج) و در اصطلاحات مذهبی عبارت است از قصد و حرکت کردن مسلمانانی که از استطاعت لازم برخوردار هستند، به سوی بیت الله الحرام تا از این طریق در وقت معین و با انجام اعمال و مناسکی مخصوص مراتب بندگی و عبودیت خود را هم در ظاهر و هم در باطن در پیشگاه الهی اظهار کنند. استطاعت که مورد تاکید کلام الله مجید می باشد. و طبق آیه شریفه «و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا» (سوره آل عمران، آیه ۹۷) شرط وجوب حج شمرده شده، مورد تاویل ها و تفسیرهای گوناگون قرار گرفته است. گروهی استطاعت را فقط در امور مادی دانسته اند، اما گروهی دیگر استطاعت فکری، یعنی رسیدن به بینشی عمیق و شناختی حقیقی از حضرت حق و وظایف بشری را نیز شرط دانسته اند.

به هر حال، استطاعت هم مفهوم مادی و هم مفهوم معنوی دارد و از سوی دیگر، پابندی به وظایف و مسئولیت های آدمی را نیز در بر می گیرد. چنانکه گفته اند کسی که در میان خانواده و نزدیکان و حتی همسایگان وی نیازمندی وجود داشته باشد، اگر به حج برود، حج او مقبول نخواهد بود.

رسول اکرم (ص) در مناسبت های مختلف مسلمانان را به ادای این عبادت بزرگ تشویق و ترغیب نموده اند. از آن حضرت (ص) سوال شد: کدام عمل افضل است؟ فرمود: «ایمان به خدا و پیامبرش، بار دیگر سوال شد پس [از آن] کدام عمل ارجح است؟ فرمود: «حج مبرور» (بخاری، الجامع الصحيح ج ۲، ۴۷۱).

ابو هریره روایت می کند که رسول اکرم (ص) فرمودند: «يا ايها الناس قد فرض عليكم الحج فحجوا» (مسلم، الجامع الصحيح، ج ۲ ص ۹۷۵) ای مردم! حج بر شما فرض شده، لذا حج خانه کعبه را انجام دهید.

در سفر حج مسافر با انجام اعمال و کارهایی که توسط حضرت ابراهیم برای نخستین بار به وقوع پیوستند و یا با تقلید کارهایی که توسط هاجر انجام شده است، در سه جهت خاص حرکت می کند:

۱-۱-۳- از یک طرف از زندگی روزمره فاصله می‌گیرد و با بازگشتی حقیقی به منشاء ایجاد اعمال حج، آلودگی‌هایی را که در نتیجه گذر زندگی و وسوسه‌های نفسانی و شیطانی در او به وجود آمده است، به یکباره پاک می‌کند. یعنی در حقیقت، با بازگشت به عملی نخستین و آغازین، زندگی را از نو آغاز می‌کند و خود را همچون حضرت ابراهیم از تمام پلیدی‌ها و ناپاکی‌ها مبرا می‌سازد و آمادگی زیستی جدید و فارغ از وسوسه‌ها را به دست می‌آورد. این امر احتمالاً بنیادی‌ترین هدف حج است. و هم از این روست که گفته‌اند کسی که از حج باز می‌گردد، مانند کسی است که تازه از مادر متولد شده است. یعنی همان‌گونه که کودک فطرتی پاک و الهی دارد، انسان بازگشته از حج نیز در حقیقت به فطرت نخستین خویش بازگشت می‌نماید.

۲-۱-۳- مسافر حج با تعظیم و بزرگداشت شعائر این سفر روحانی و والا ارتباط خود را با خداوند به روش حضرت ابراهیم که مظهر کامل عبودیت و محبت به حضرت حق است ابراز می‌نماید.

حج به طور کلی دست‌یابی به ایمانی راسخ و توکلی کامل به خداوند را برای آدمی به ارمغان می‌آورد، منتهی این امر منوط به شرایطی است. اگر انسان همچون ابراهیم از همه‌ی تعلقات و وابستگی‌های ظاهری و مادی قطع امید کند و با تاسی به حضرت ابراهیم که حتی همسر و فرزند خویش را در بیابان‌های خشک مکه برای خدا رها ساخت، آدمی بتواند خود را از اسارت خویش رها سازد، به آن توکل کامل و ایمان راسخ دست خواهد یافت. اگر از این چشم‌انداز به حج نگاه کنیم، حج تجدید میثاق با حضرت حق و با آرمان‌های ابراهیمی است. حتی لباس ساده‌ی احرام و جنبه‌های جسمانی ساده و بی‌آلایش و لیبک‌گویی حاجیان بیانگر آن است که مسافر حج قصد دارد رابطه‌ی خود را با دنیای پیرامون خویش قطع نماید و از آن پس، فقط برای خدا زندگی کند. این است که یکی از شعارهای عرفانی که در طول مناسک حج، مسافر این دیار الهی زمزمه می‌کند، آن است که «ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا اول المسلمین» (انعام-۱۶۲).

فلسفه حج در اسلام آن قدر اهمیت دارد که خداواند عزوجل خطاب به موسس کعبه و منادی حج می فرماید: «و اذن فی الناس یاتوک رجالا و علی کل ضامر یاتین من کل فج عمیق لیشهدوا منافع لهم و یذکر اسم الله» (حج، ۲۷)

این توجیه مهم قرآنی به « حرکتی که مردم پیاده و سواره از دور دست آن را در پیش می گیرند، اشاره می نماید و منافع آشکاری را که قرآن آنها را بر ذکر نام خدا مقدم داشته، بر می شمارد، از جمله:

الف: حج یک منبع نیروی معنوی و عاطفی است که به مسلمان توان می دهد و وجود او را از فروتنی و تقوا در برابر خدا و تصمیم به اطاعت و پشیمانی نافرمانیش پر می سازد و عاطفه محبت به خدا و رسول خدا (ص) و یاران و پیروان او را در وی سیراب می گرداند؛ سرزمین مقدس و خاطرات آن، شعائر و آداب حج و آثار درونی آنها، نیروی جماعت حاجیان و الهامات فکری و رفتاری و ... همه این ها به روشنی آثار خود را در ژرفای وجود فرد مسلمان به جا می گذارند و او با قلبی زلالتر و شیوه ای پاکیزه تر و عزمی راسخ تر برای انجام خیر و نیکی، مقاومتی سر سخنانه تر در برابر گناهان، از سفر خویش باز می گردد و هر قدر حجتش نزد خدا مطلوبتر و پسندیده تر باشد، به همان اندازه در زندگی آینده اش موثرتر خواهد بود.

ب: حج عشق و تمرین تحمل ناملایمات زندگی است. سفر حج در بردارنده درس تحمل سختیها، دوری از وطن، جدایی از خویشان و چشم پوشی از فراغت زندگی در میان خانواده و دوستان است، حکمت الهی نخواست است که این سفر به سوی سرزمینهای زیبا و سرسبز و خوش آب و هوای آسیا، اروپا و غیره که تفریحگاههای جهانگردان به حساب می آیند، انجام گیرد، بلکه مشیت الهی آن بود که حج در بیابان بی آب و علف که نه برای تفریح تابستان مناسب است و نه بهار، انجام گیرد و این خود تربیتی است برای فرد مسلمان در تحمل دشواریها و ناگواریهای زندگی.

ج: منافع بازرگانی حج نیز بسیار زیاد و مشهود است؛ حج فرصت با ارزشی برای مبادله منافع تجاری میان مسلمانان در سطحی وسیع می باشد. امروزه بازارهای مکه و مدینه به دو مرکز بزرگ تجارت جهانی تبدیل شده اند که از روابط تجاری و

بازرگانی آنها منافع فراوانی نصیب مسلمانان می‌شود. علاوه بر این، از زیارت‌های مکرر حج و عمره حاجیان سود هنگفتی عاید صنعت جهانگردی عربستان و سایر شرکتهای سیاحتی - زیارتی کشورهای اسلامی می‌شود.

د: در برابری وحدت و یگانگی حج، آموزش و تمرین عملی و اصولی متعالی انسانیت مد نظر اسلام برای هر فرد مسلمان است. در انجام مناسک حج این مسئله کاملاً روشن می‌گردد که هیچ فرد و گروهی امتیازی نسبت به فرد یا گروه دیگری ندارد و از جمله اهداف بلند این آیین عبادی، مساوات و کنار نهادن برتری جویی بر دیگران است. شعاع یگانگی در حج بسیار وسعت می‌یابد و مبدل به یگانگی در احساسات، یگانگی در شعائر، یگانگی در هدف، یگانگی در عمل و یگانگی در شعار می‌گردد. نه اثری از اختلاف جغرافیایی و نژادی وجود دارد و نه تعصبی نسبت به رنگ و جنس و طبقه، همگی مسلمان هستند و به خدای واحد ایمان دارند و گرد خانه واحدی می‌گردند.

ه: حج یک انجمن جهانی است. حج به فرد مسلمان امکان می‌دهد تا شاهد بزرگترین و پرشکوه‌ترین گردهمایی سالیانه اسلامی باشد. انجمنی که نه از طرف پادشاه یا رئیس حکومت یا جمعیتی، بلکه از سوی خدای جهانیان بدان فرا خوانده شده است. در گرد همایی حج، یک مسلمان برادران خود را از پنج قاره دنیا می‌بیند که سرزمینها، رنگها و زبانهایشان متفاوت است و تنها پیوند اسلام و ایمان آنان را دور هم جمع کرده است تا شعار واحدی را سر دهند: «لیک اللهم لیک، لیک لا شریک لک لیک» علی‌رغم برگزاری کنفرانسهای تساوی حقوق بشر و مبارزه با نژاد پرستی، آیین عالی اسلام هزار و چهارصد و اندی سال پیش، تجمع و گردهمایی مسلمانان جهان را با اختلاف نژاد و زبان اعم از عرب و عجم، سیاه و سفید، اروپایی و آمریکایی سالی یک بار با پوشیدن یک لباس و انجام مناسک و آیین مشترک فرض قرار داده است.

۳-۱-۳- تمرین سفر مرگ

مرگ به آدمی بسیار نزدیک است. با این حال پیوسته مورد غفلت او قرار می‌گیرد. یادآوری این حقیقت در زندگی انسان بسیار تاثیر گذار خواهد بود و او را از پاره ای آرزوهای بی اساس و دلبستگیهای زودگذر و ناپایدار دور خواهد کرد و در عوض

بینشی جدید و اندیشه ای والا را برای او به ارمغان خواهد آورد. در باره مناسبت حج با مرگ تاویل ها و برداشت های قابل توجهی در اختیار داریم؛ به عنوان نمونه، خاقانی در یکی از قصاید خود می گوید:

سفر کعبه نمودار ره آخرت است گرچه رمز رهش از صورت دنیا شنوند
جان معنی است به اسم صوری داده برون خاصگان معنی و عامان همه اسما شنوند

(دیوان خاقانی ص ۴۵، آیات ۴۱، ۴۲)

برخی از عرفای بزرگ به تاویل این سفر و نشان دادن معانی نمادین اجزا و عناصری که در این سفر بی مانند به وقوع می پیوندد، پرداخته اند. اهمیت سفر حج تا جایی است که آن را یکی از ارکان اسلام شمرده اند و از حضرت رسول نقل کرده اند که «من مات و لم یحج فلیمت ان شاء یهودیا و ان شاء نصرانیا» (صوفی نامه، ص ۲۵۰) سفر حج پایه مذهب ابراهیمی و اساس اسلام است. در این سفر انسان خود را قطره‌ای شناور در اقیانوس انسان ها می یابد. در این سفر شاه و گدا یکی می شوند. و تمام تمایزهای ظاهری از میان می رود. با این حال، برای حج واقعی شرایطی است که پرداختن به آن ها خارج از وظیفه نوشتار حاضر است و تنها توجه به یک قصیده از ناصر خسرو که با مطلع زیر آغاز می شود و یک غزل از مولانا برای اثبات این نکته کافی است. ناصر خسرو می گوید:

حاجیان آمدند با تعظیم شاکر از رحمت خدای رحیم
و مولانا می گوید:

ای قوم به حج رفته کجایید کجایید معشوق همین جاست بیاید بیاید
معشوق تو همسایه و دیوار به دیوار در بادیه سرگشته شما در چه هوایید
گر صورت بی صورت معشوق ببینید هم خواجه و هم خانه و هم کعبه شما
ده بار از آن راه به آن خانه برفتید یک بار از این خانه بر این بام بر آیید
آن خانه لطیف است نشان هاش بگفتید از خواجه ی آن خانه نشانی بنمایید
یک دسته گل کو اگر آن باغ بدیدید یک گوهر جان کو اگر از بحر خدایید
با این همه آن رنج شما گنج شما باد افسوس که بر گنج شما پرده شما یاید

(گزیده غزلیات شمس، ۱۴۱)

۲-۳- جهاد در راه خدا

گسترش و ترویج دین مبین اسلام که با فتح قلوب مردم توسط پیام برادری و برابری این دین بزرگ صورت می‌گرفت، به صورت طبیعی با گسترش قلمرو حکومت اسلامی نیز همراه می‌شد. در مرزهای اسلامی گاه مشرکین و غیر مسلمانان مزاحمت‌هایی برای مسلمانان فراهم می‌ساختند. دفع این مزاحمت‌ها بدون جهاد امکان‌پذیر نبود. از سویی، دیگر گاه به درخواست مردم سرزمین‌های غیر مسلمان و گاه برای فتح کشورهای دیگر و رساندن پیام اسلام، مسلمانان مجبور به جهاد جنگ در راه خدا می‌شدند.

این جنگ‌ها، مسافرت مسلمانان از سرزمین مادری خویش را می‌طلبید و آن‌ها مجبور می‌شدند در قالب سپاهیان و لشکریان به مرزها عزیمت کنند. سفرهای جنگی نمونه‌های متعدد در اسلام دارد. دکتر فیاض در کتاب «تاریخ اسلام» و دکتر شهیدی در کتاب «تاریخ تحلیلی اسلام» ضمن مراجعه به کتاب‌های مربوط، موارد سفرهای جنگی در اسلام را یادآور شده‌اند.

جهاد در راه خدا فضیلتی والا در میان مسلمانان دارد. احادیث متعددی ناظر به این امر هستند و مسلمانان را به جهاد در راه خدا تشویق می‌کنند. صاحب صوفی نامه می‌گوید: «سید علیه السلام گفته است که بعد از ایمان هیچ کار نیست فاضل‌تر از جهاد با کفار» (صوفی نامه، ص ۲۵۰) و همچنین از حدیث: «لسفره فی سبیل الله خیر من خمسين حجه» سفری در راه خدا از پنجاه حج بهتر است (نهج الفصاحه، ص ۴۷۳) به سفری که به قصد جهاد انجام شده باشد، نظر دارد. آیات و احادیث متعددی بر لزوم جهاد تأیید کرده‌اند، که به عنوان نمونه به موارد زیر اشاره می‌شود.

«و الذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا و ان الله لمع المحسنين.»

و آنانکه در راه ما به جان و مال جهاد و کوشش کردند، محققا آن‌ها را به راه معرفت خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکوکاران است. (عنکبوت - ۶۹)

«يا ايها النبي جاهد الكفار والمنافقين و اغلظ عليهم و ماوهم جهنم و بس المصير.» ای رسول گرامی با کفار و منافقان به جهاد و کارزار پرداز و بر آن‌ها سخت گیر و ماوای آن‌ها دوزخ است که بسیار بد منزلگاهی است. (تحریم - ۹)

«ذروه سنالم الجهاد فی سبیل الله لایناله الا افضلهم.»

اوج مسلمانی جهاد در راه خدا است که جز مسلمانان بر جسته بدان نرسند.
(نهج الفصاحه - ص ۳۳۹).

«ست خصال من الخیر: جهاد اعداء الله بالسیف و الصوم فی یوم الصیف و حسن الصبر عند المصیبه و ترک المرء و الانفاق فی الخفا و المحاباه فی الله.» شش صفت نیکست: پیکار با دشمنان خدا به وسیله شمشیر و روزه در روز تابستان و نیک صبری به هنگام مصیبت و ترک مجادله و انفاق در نهران و دوستی در راه خدا. (همان - ص ۳۶۸).

قال رسول الله: «المجاهد من جاهد نفسه فی الله عزوجل.» مجاهد کسی است که در راه خدا عزوجل با نفس خود پیکار کند. (آثار الصادقین / شیخ صادق احسان ج ۲ - ص ۴۱۲).

قال امیرالمومنین: «غایه المجاهده ان یجاهد المرء نفسه.» غایت مجاهدت این است که انسان با نفس خود بجنگد (همان).

لازم به یاد آوری است که جهاد در اندیشه های اسلامی به ۲ نوع اصغر و اکبر تقسیم شده است. چنانکه پیامبر خطاب به مسلمانانی که از جهادی مهم بازگشته بودند، فرمودند: «قدمتم من الجهاد الاصغر و علیکم بالجهاد الاکبر.» مسلمانان عرض کردند جهاد اکبر چیست؟ فرمودند: جهاد بانفس (احادیث مثنوی، ص ۱۴).

مولانا در اشاره به جهاد و لزوم و اهمیت آن ابیات زیر را سروده است و به تفسیر و تاویل عرفانی جهاد پرداخته است:

ای شهان کشتیم ما خصم برون	مانند خصمی زو بتر در اندرون
کشتن این کار عقل و هوش نیست	شیر باطن سخره ی خرگوش نیست
دوزخ است این نفس و دوزخ اژدهاست	کوبه دریاها نگردد کم و کاست...
چونک و اگشتم ز پیکار برون	روی آوردم به پیکار درون
قد رجعنا من جهاد الاصغریم	با نبی اندر جهاد اکبریم
قوت از حق خواهیم و توفیق و لاف	تا به سوزن برکنم این کوه قاف
سهل شیری دان که صف ها بشکند	شیر آن است آن که خود را بشکند

(مثنوی، تصحیح نیکلسون، دفتر اول، ص ۸۵)

لازمه جهاد اصغر بریدن از وطن مالوف و جمع دوستان و آشنایان و تحمل رنج‌ها و سختی‌های جسمانی و تبعات سفر ظاهری است. در برابر لازمه‌ی جهاد اکبر بریدن از خویشتن و ترک تعلقات روحی و وابستگی‌هایی است که به صورت طبیعی آدمی مبتلای به آن می‌شود. این دو سفر در نگاه عارفان ما، دارای تاویل‌ها و برداشت‌هایی فوق‌العاده دل‌انگیز است.

۳-۳- سفر به قصد عبرت اندوزی

قرآن کریم به روشنی تصریح می‌کند که بر مسلمانان لازم است به بازرنگری و تدبیر در زندگی سایر مردم پردازند. آیات متعددی در قرآن کریم آدمی را به سفر در دنیای خاکی به قصد عبرت‌گیری از سرنوشت امت‌های پیشین دعوت و تشویق می‌کند. به عنوان نمونه، در آیه شریفه: «قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین.» (آل عمران - آیه ۱۳۷).

پیش از شما مللی بودند. در اطراف زمین گردش کنید و ببینید آنانکه وعده‌های خدا را تکذیب کردند، چگونه هلاک شدند. به روشنی این دستور الهی را می‌توان شاهد بود.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه یاد شده بیان کرده‌اند که امر به سفر در زمین برای این است که از سرگذشت امت‌های گذشته عبرت بگیرند و سرانجام پادشاهان و فراعنه طاغی را ببینند که چگونه قصرهای رفیع‌شان به دردشان نخورد و خدای تعالی همه را (تخت‌مزین به جواهرشان، لشکر و هوا دارانشان) را از بین برد و چیزی به جز سرگذشتی که مایه عبرت باشد، از آنان باقی نماند، ولی فرو رفتگان در غفلت کجا و عبرت کجا؟ (تفسیر المیزان - ص ۳۰ - ج ۴).

۳-۴- سفر علمی

دانش سرچشمه‌های مختلفی دارد و خداوند به ملت‌های مختلف براساس شایستگی‌ها و لیاقت‌هایشان درجاتی از دانش را عنایت فرموده است. طبیعتاً دانش زاده نیازهای جوامع است و نیاز هر ملتی با ملت دیگر تفاوت دارد. به همین سبب، برخی از سرزمین‌ها برای دسترسی به بعضی از دانش‌ها نسبت به سرزمین‌های دیگر آمادگی بیشتری دارند.

اما در هر حال، گوهر دانش و توانمندی‌ای که به انسان ارزانی می‌دارد، پدیده‌ای در خور توجه و دارای تقدس می‌باشد. از این رو، در اندیشه‌های دینی بارها مسلمانان به سفر به قصد دیدار عالمان و دانشمندان سایر سرزمین‌ها و فراگیری دانش سایر ملت‌ها دعوت شده‌اند.

در قرآن کریم آیه ۱۲۲ سوره توبه به روشنی این دستور الهی را به مسلمانان ابلاغ می‌کند: «و ما کان المومنون لینفروا کافه ، فلولا نفر من کل فرقه منهم طایفه لیتفقها فی الدین ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون.» در تفسیرها درباره آیه یادشده آمده است که آیه بر لزوم سفر و کوچیدن به منظور فراگیری از علم تأکید می‌کند. مفسران از جمله میبدی، زمخشری، ابوالفتوح و طبرسی از ابن عباس نقل کرده‌اند که چون خداوند در این سوره تأکید بسیار در امر جهاد فرموده است، اصحاب رسول الله (ص) گفتند که هیچ کدام از ما از هیچ غزوه یا سریه‌ای باز نمی‌مانیم و همگی به جهاد می‌رویم و خداوند با تعبیر نفی، نهی می‌فرماید که مومنان نباید همگی به جهاد روند و پیامبر (ص) را تنها بگذارند، بلکه باید طایفه‌ای همراه پیامبر بمانند و در حضور او قرآن و علم دین، از واجبات و مستحبات بیاموزند. قاسمی از غزالی نقل می‌کند که مراد از فقه در عصر اول بیشتر علم آخرت بوده است، یعنی اصول عقاید و اخلاق، نه لزوماً فقط فقه اصطلاحی یعنی علم فروع. همو از سیوطی نقل می‌کند که از این آیه چند نکته برمی‌آید:

- ۱) جهاد فرض کفایت (= واجب کفایی) است.
- ۲) تفقه در دین و رحلت در طلب علم نیز واجب کفایی است.
- ۳) قبول خیر واحد معتبر است، زیرا مراد از طایفه گروه کم و حتی به قول مجاهد وعده‌ای دیگر، حداقل آن یک نفر است.

باید توجه داشت که با توجه به عصر رسول الله (ص) رهسپاری طایفه دوم در طلب علم، عمدتاً از شهرهای دیگر به مدینه و محضر پیامبر (ص) بوده است، ولی در اعصار دیگر رحلت علمی به مغان آن و مراکز علمی است. در آیه به کوچیدن و رهسپاری اشاره شده، ولی مراد و غایت اصلی کوشیدن است. چه ممکن است

بسیاری از طالبان علم خود در مراکز علمی ساکن باشند و نیازی به سفر نداشته باشند. (دایره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۲۵۲، نیز ترجمه قرآن کریم، خرمشاهی، ص ۲۰۶).

حضرت رسول با سخن گهربار «اطلبو العلم ولو بالصین» مستقیماً مسلمانان را به سفر برای دانش آموختن امر فرموده است. این نوع سفر از چنان اهمیتی برخوردار است که بر مبنای احادیث، اگر طالب علم در حین سفری که برای کسب دانش کرده است و در غربت از وطن خویش بمیرد، حکم شهید را خواهد داشت و گفته اند فرشتگان بال‌های خویش را زیر پای طالبان علمی که از دیار خویش خارج می‌شوند، پهن می‌کنند.

۵-۳- سفر تفریحی

مسلمانان سفر در آسایش روح و آماده کردن انسان برای انجام فعالیت‌های بعدی بسیار موثر و مفید است. فراغت خاطری که در سفر برای انسان فراهم می‌شود، از نگاه دقیق قرآن کریم و سخنان بزرگان دین پنهان نبوده است. تمام آیاتی که با ریشه «ساح» در کلام الله مجید آمده‌اند، به این نوع سفر اشاره دارد. احادیث قابل توجهی نیز درباره‌ی سفر تفریحی وجود دارد.

۶-۳- سفر امرار معاش

تامین مخارج زندگی یکی از واجبات و تکالیف مهمی است که بر عهده هر مسلمانی نهاده شده است. پاره‌ای از نیازهای زندگی در محل تولد و اقامت قابل دسترسی نیست و برای برطرف کردن آن‌ها به مسافرت به گوشه و کنار جهان نیاز است.

تاویل عرفانی سفر موسی (ع) که در قرآن و به قرار زیر آمده است: «چون موسی مدت را به سر رسانید، همسر خود را برداشت و به راه افتاد. در راه از سمت طور آتشی از دور دید. به خانواده اش گفت من از دور آتشی احساس می‌کنم. شما در اینجا باشید تا شاید از کنار آن آتش خبری کسب نموده یا از خود آتش پاره‌ای بیاورم تا شاید خود را گرم کنید.» دست‌مایه تاویلاتی خاص گردیده است. چنانکه در تفسیر کشف الاسرار آمده است: موسی را چهار سفر بود یکی سفر هرب، چنانکه الله تعالی گفت: ففررت منکم لما خفتکم.

دوم سفر طلب ليله النار و ذالك قوله: فلما اتيتها نودی من شاطی الواد الایمن .
سوم سفر طرب: ولما جاء موسی لمیقاتنا .
چهارم سفر تعب: لقد لقینا من سفرنا هذا نصبا . (کشف الاسرار، ج ۵، ص ۷۲۷ به بعد).
عرفا، در برداشت های خود از سفر موسی (ع) بر تأمین معاش نیز تأکید کرده اند.

۴- انگیزه و اهداف سفر

سیر و سیاحت با انگیزه های صحیح و عاقلانه مورد تأیید و تشویق قرآن کریم است و از مومنان خواسته شده تا با مسافرت به گوشه و کنار جهان در سرگذشت ملت های پیشین بیندیشند و از آن ها عبرت بگیرند، رنج و خستگی زندگی را از تن دور کنند و موجبات سلامت روحی خود را فراهم کنند.

زیبایی های آفرینش را بررسی کنند، علم و دانش بیاموزند، و ضمن همنشینی با افراد فهیمه ای که در گوشه و کنار جهان زندگی می کنند، به تکامل اخلاق خویش اقدام نمایند .

سخن حضرت علی که در زیر نقل می شود، به اختصار تمام اهداف و انگیزه های سفر در اسلام را روشن می سازد. درباره فواید مسافرت از حضرت (ع) چنین روایت شده است: برای نیل به تعالی و ترقی، از وطن های خود دور شوید و مسافرت کنید که در سفر پنج فایده است: سفر باعث تفریح و انبساط روح است و اندوه و آزرده گی ها را بر طرف می کند، مسافرت یکی از راه های تحصیل درآمد و تأمین معاش است، مسافرت وسیله فراگرفتن علم و تجربه است، مسافرت به انسان آداب زندگی می آموزد و آدمی در سفر با افراد با فضیلت و خلیق برخورد می کند و با آنان دوست می شود.

لذا در بینش اسلامی و قرآن کریم سیر و سیاحت صرفاً به معنای وقت گذرانی، استراحت و تفریح و تماشای ظاهری نیست، بلکه علاوه بر امور ظاهری و دنیایی، مسائل عمیق، پیچیده و هدف دار نیز وجود دارد که باید در طی این مسافرت ها به آنها دست یافت. با توجه به آن چه گذشت، انگیزه های سفر را به اختصار بر پایه متون معتبر اسلامی پی گیری می کنیم .

۱-۴- طلب علم

دانش در انحصار یک گروه و یک طبقه ی خاص نیست و مسلمانان موظف اند برای دستیابی به توانایی های علمی و نظامی و صنعتی به گوشه و کنار جهان مسافرت نمایند و دانش کسب کنند .

و در حدیث صحیح نبوی آمده است: « اطلبو العلم ولو بالصین. » و نیز از حضرت رسول نقل شده است. « من خرج من بینه فی طلب العلم فهو فی سبیل الله. » و از پیامبر روایت شده است که اوحی الله تعالی الیّ انه من سلک مسلکا فی طلب العلم سهلت له طریقا الی الجنة .

۲-۴- عبرت گرفتن از سرگذشت پیشینیان

یکی از اندیشه های کلیدی اسلام عبرت گرفتن از سرگذشت دیگران است. در حقیقت، فلسفه تاریخ و فلسفه سفر در اسلام بر بنیان همین نکته نهاده شده است . دقت در سرگذشت دیگران باعث می شود که انسان بدون تحمل رنج و زیان‌هایی که گاه جبران ناپذیر می نماید، بتواند در آینده رفتار و سرنوشت دیگران ، سرنوشت خویش را درک نماید و یا با فهم نقایص رفتاری خویش و نیز درک رفتارهای خردمندانه دیگران ، امکان بازنگری در رفتار و کردار خویش را برای خود فراهم نماید . تمام آیاتی که با ریشه سار و به صورت امر با صیغه «سیروا» مسلمانان را به سفر امر فرموده است ، هدف اصلی سفر را عبرت گرفتن از زندگی دیگران به شمار آورده است .

۳-۴- تهذیب نفس

سفر از یکسو تمایزات اجتماعی را از انسان دور می کند و از سوی دیگر، مسافر را به رنج ها و مشقت ها مبتلا می سازد . به همین خاطر است که گفته اند «از السفر قطعه من النار» (صوفی نامه -۲۵۱) در پرتو دو نکته یاد شده، فرصتی به دست می آید تا انسان درباره خویش به تفکر پردازد و به اصلاح و تهذیب نفس خویش اقدام کند . در منطق قرآن کریم سختی های سفر در حکم آزمون هایی هستند که انسان را به یاد کرد خالصانه خدا می کشاند . چنانکه آیه ۲۲ سوره یونس به صراحت به این امر اشاره می کند:

«او کسی است که شما را در صحرا و دریا سیر می دهد. چون به کشتی سوار باشند و بادی ملایم آن ها را به طرف مقصد ببرد، خوشحال می شوند (و چون ناگهان) بادی سهمگین بر آن کشتی بوزد و موج های هولناک از هر سو به طرف کشتی حمله کند، به طوری که سرنشینان بپندارند که هلاک خواهند شد، آن زمان خدا را از روی اخلاص عقیده می خوانند که اگر ما را از این ورطه نجات دهی، به طور قطع از شکر گزاران خواهیم بود.» (ترجمه تفسیر المیزان - ج ۱۰، ص ۳۳).

۴-۴- تندرستی

سفر نقش مهمی در سلامت انسان دارد. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «سافروا تصحوا و تغنموا» (سفر کنید تا تندرست شوید و غنیمت یابید) (نهج الفصاحه - ۳) البته حدیث یاد شده به صورت زیر نیز آمده است. سافروا تصحوا و ترزقوا» (سفر کنید تا تندرست شوید و روزی یابید).

۵- مقدمات سفر

همیشه سفر با حوادث غیرمنتظره همراه است. به همین خاطر در متن قرآن، و به خصوص توصیه ها و دستوراتی که در احادیث آمده است، برای سفر مقدماتی در نظر گرفته شده است و پاره ای از امور به عنوان وظایف مسافر بر شمرده شده است. برخی از این امور به قرار زیر است.

۱-۵- انتخاب زمان

برخی از روزها در اسلام دارای ارزش های عبادی ویژه هستند و اختصاص به اعمال واجب یا مستحبی خاصی دارند. مثلاً روز جمعه اختصاص به عمل عبادی مهم نماز جمعه دارد. با توجه به همین نکته، بر انتخاب زمان مناسب برای سفر تاکید شده است. گفته اند: شنبه از بهترین روزها برای آغاز سفر است. ابو ایوب خراز و عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) معنای این فرموده خداوند بلند مرتبه را جویا شدند که: فاذا قضیت الصلاه فانتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله، و چون نماز پایان یافت، در زمین پراکنده شوید و رزق خدا را طلب کنید. حضرت فرمود: نماز، روز جمعه، و پراکنده شدن روز شنبه. سزاوار است که انسان روز جمعه را برای

فراگیری مسائل دینی، و بهره‌گیری معنوی قرار دهد. امام باقر(ع) فرمود: پیامبر روز پنجشنبه را برای مسافرت انتخاب می‌فرمود. آن حضرت همچنین در جای دیگری می‌فرماید: روز پنجشنبه را خدا، فرشتگان و رسول خدا (ص) دوست دارند. کراهت سفر در روز جمعه، برای این است که مردم در نماز جمعه شرکت نموده، حضور خود در صحنه را به نمایش بگذارند. امام صادق(ع) فرمود: کراهت سفر در روز جمعه به خاطر نماز است.

۲-۵- صدقه

مستحب است مسافر در آغاز حرکت، صدقه دهد و آیه الکرسی بخواند. امام صادق(ع) فرمود: «صدقه بده و هر روزی که خواستی خارج شو.»
ای صاحب کرامت شکرانه سلامت روزی تفقدی کن درویش بینوا را (حافظ)

۳-۵- نماز و دعا

دو رکعت نماز بخواند و بگوید: اللهم انی استودعک نفسی واهلی و مالی و ذریتی و دنیا و آخرتی و امانتی و خاتمه عملی، خداوندا، خود، خانواده، پول، فرزندان، دنیا، آخرت، امانت و پایان کارم را به تو می‌سپارم. آنگاه همسر و فرزندان را در اتناق گرد آورده، بگوید: اللهم انی استودعک الغداه نفسی و مالی و اهلی و ولدی و الشاهد منا و الغائب، اللهم اجعلنا فی جوارک اللهم لا تسلبنا نعمتک ولا تغیر ما بنا من عافیتک و فضلک. بار خدایا! همانا من (از) فردا، خود و مال و خانواده و فرزندانم - چه آنان که نزد منند، و چه آنان که نیستند، همه را به تو می‌سپارم. پروردگارا! در کنار خود قرار مانده، و نعمتهایت را از ما مگیر و آنچه از سلامتی و فضل تو در اختیار ماست، تغییر مده. وزمانی که از در خانه بیرون می‌رود، در آستانه در ایستاده، سوره‌های حمد و معوذتین، قل هو الله احد، آیه الکرسی را در پیش رو و سمت راست و چپ بخواند و بگوید: اللهم احفظنی و احفظ ما معی، و سلمنی و سلم ما معی، و بلغنی و بلغ ما معی بیلاغک الحسن الجمیل. خداوندا! مرا و آنچه با من است، نگهدار. مرا و آنچه با من است، سالم بدار. و مرا و آنچه با من است، با صورتی نیکو و زیبا به مقصد برسان. امام سجاد(ع) فرمود: هر گاه بنده‌ای از بندگان خداوند از خانه خارج می‌شود، شیطان سر راهش می‌آید، اگر گفت: بسم الله دو فرشته (نگهبان برای انسان) به او

گویند: خود را کفایت کردی و اگر گوید: آمنت بالله، به خدای ایمان دارم، گویند: هدایت شدی و راه یافتی، پس اگر گوید: تو کلت علی الله، بر خدای توکل کردم. گویند: محفوظ ماندی. آنگاه شیطان از او دست کشیده، آنجا را ترک می کند و می گوید: چگونه از کسی که هدایت شده، محفوظ مانده و کفایت شده، برای ما سودی حاصل خواهد شد؟

ذیل این روایت دارد: یا ابا حمزه: ان ترکت الناس لم یتروکوک وان رفضتہم لم یرفضوک قلت: فما اصنع؟ قال: اعطهم من عرضک لیوم فقرک وفاقکک. در روایت دیگری امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که به قصد حج و عمره از خانه خود بیرون آمدی - انشاء الله - پس دعای فرج را بخوان و آن دعا این است: لا اله الا الله الحليم الكريم، لا اله الا الله العلی العظیم، سبحان الله رب السماوات السبع، ورب الارضین السبع، ورب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین. حضرت علی علیه السلام دعای آغاز سفر را به گونه زیر بیان فرموده اند:

«اللهم انی اعوذبک من وعشاء السفر و کآبه المنقلب و سوء المنظر فی الاهل و المال. اللهم انت الصاحب فی السفر و انت الخلیفه فی الاهل و لایجمعهما غیرک. لان المستخلف لایکون مستصحباً و المستصحب لایکون مستخلفاً.» (خطبه ۴۶). خدایا به تو پناه می برم از سختی سفر، ورنج و اندوه حضر و منظر زشت در مال، و بدحالی فرزندان و عیال، خدایا تو در سفر یار و همراهی و برای بازماندگان نگاهبان و پناهی، جز تو چنین که تواند؟ الهی! چه آن کس را که در خانه گمارند، به کار همراهی سفر نیاید و آن که همراه است، نگاهبانی خانه را نشاید.

۴-۵- بی خبر به مسافرت نرفتن

امام صادق (ع) به نقل از پیامبر (ص) فرموده اند: مسلمانی که قصد مسافرت دارد، باید برادران دینی خود را از قصد خویش آگاه سازد و متقابلاً این حق را ایجاد می کند که موقع بازگشت برادران ایمانی به دیدار او بیایند.

۵-۵- بدرقه مسافر

مستحب است مسافر را دوستان و بستگانش بدرقه کنند. همچنین مستحب است برای مسافر دعا کنند. پیامبر (ص) هرگاه مومنان را بدرقه می نمود، با آنان

خداحافظی کرده ، می فرمود: خداوند بر تقوای شما بیفزاید و به سوی هر خیری شما را راهنمایی کند ، و حاجات شما را برآورد ، و دین و دنیای شما را سالم بدارد و شما را صحیح و سالم بازگرداند. امام صادق (ع) برای گروهی از اصحاب خود که پیاده عازم حج بودند ، دعا کرده ، فرمود: خداوندا، آنان را بر قدمهایشان استوار بدار و شریان های ایشان را آرام دار (قوت قلب به آنان عنایت کن). آنگاه که اباذر را به تبعیدگاه می بردند ، علی ، حسن ، حسین (علیهم السلام) و عقیل پسر ابی طالب ، عبدالله بن جعفر ، و عمار یاسر او را بدرقه کردند و علی (ع) خطاب به آنان فرمود: با برادران اباذر خداحافظی کنید ، زیرا مسافر ناچار باید به راه خود برود ، و بدرقه کننده ناگزیر است که باز گردد.

۶-۵- انتخاب همراه

لذت سفر آنگاه افزون خواهد شد که انسان ، رفیق و همنشین صمیمی برای خود برگزیند تا سختی های سفر بر او همواره گردد. پیامبر (ص) به مسافران توصیه می فرمود: ابتدا رفیق راه را انتخاب کنید ، آنگاه مسافرت بنمایید. الرفیق ثم الطریق و در سخنی دیگر به امیرالمومنین علی (ع) فرمود: به تنهایی سفر مکن ، که همانان شیطان با شخص تنهاست ، و او از دو نفر دورتر است و فاصله دارد . ای علی ، همانا مردی که تنها مسافرت کند. در معرض گمراهی است ، دو نفر چنین اند ، اما آنگاه که به سه نفر رسیدند ، گروه و کاروان به حساب می آیند. باید هم شانی در انتخاب رفیق سفر را در نظر گرفت ، لازم است دقت نموده ، همراهانی هم شان و هم طراز را برگزیند تا در سفر به او خوش بگذرد .

۷-۵- دعا و ذکر در حال حرکت

پیمودن راههای زمین و آسمان ، همراه با فراز و نشیب و اوج و فرود است . اتومبیل به مناطق کوهستانی که می رسد ، جاده های پر پیچ خم کوهستانی را طی کرده بالا می رود و پس از رسیدن به قله ، سرازیر می شود. هواپیما نیز از فرودگاه برمی خیزد ، اوج می گیرد و با رسیدن به مقصد فاصله خود را با زمین کم نموده در فرودگاه بر زمین می نشیند. زائر در تمامی این مراحل سزاوار است یاد خدا را زیر لب زمزمه کند.

۸-۵- مسافرت در شب

انتخاب شب برای مسافرت توصیه رسول خدا (ص) است. امام صادق (ع) به نقل از پیامبر (ص) فرمود بر شما باد مسافرت در شب، زیرا زمین در شب در نور دیده می شود. قسمت پایانی شب برای آغاز سفر بهتر است، زیرا خداوند ابتدای شب را برای آسایش و راحتی انسان قرار داده، تا بدن استراحت لازم را داشته باشد.

۹-۵- وصیت

مسافرت همیشه با خطر همراه بوده و هست. در گذشته راه های طولانی و ناهموار، دزدان مسلح، نبودن امکانات غذایی و بهداشتی و ناامن بودن راهها و امثال آن، موجب می شد تا تعدادی از مسافران جان به جان آفرین بسپارند و مظلومانه در گوشه ای به خاک سپرده شوند. در عصر کنونی نیز که امکانات فراوانی برای مسافران فراهم شده، باز خطراتی جان انسانها را تهدید می کند. افراد بشر در زمین و آسمان امنیت لازم را ندارند. گاهی هواپیمای مسافربری به علت نقص فنی سقوط می کند و تعدادی کشته می شوند و گاهی دو اتومبیل با هم برخورد می کنند و جان سرنشینان بی گناهی را می گیرد. بنابراین، هیچ کس نمی تواند آینده اش را پیش بینی نموده، به بازگشت خویش مطمئن شود. از این رو، نوشتن وصیت امری ضروری و لازم است تا وارثان دچار مشکل نشده، تکلیفشان را بدانند. امام صادق (ع) فرمود: کسی که بر مرکبی سوار می شود، لازم است وصیت کند.

۱۰-۵- تامین مخارج زن و فرزند

مسافر قبل از سفر لازم است مخارج زندگی زن و فرزندانش را تامین نموده، سپس به حج مشرف شود یا سفرش را آغاز کند. آن کس که توان تامین زندگی و هزینه خوراک و پوشاک خانواده خود را ندارد، مستطیع نبوده، حج بر او واجب نیست. امام صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوار شان فرموده اند: من استطاع الیه سیلا، سبیل در آیه به معنای گستردگی در مال است، به شکلی که با قسمتی از آن حج انجام داده و با باقیمانده آن، خوراک (و زندگی زن و فرزندش) را تامین کند. در جای دیگر فرمود: حج خانه خدا واجب است بر کسی که راهی به سوی آن بیابد و آن توشه و وسیله سفر همراه با سلامتی است و نیز به جای گذاشتن نفقه خانواده و آنچه پس از

حج بدان نیاز دارد، صاحب جواهر - رحمه الله علیه - چهارمین شرط از شرایط استطاعت را، داشتن امکانات مالی به اندازه رفع نیاز و تامین مایحتاج زن و فرزند دانسته، می‌فرماید: آن کس که چنین توانی ندارد، حج بر او واجب نیست. برای سفر ویژگی‌های بسیار دیگری نیز در نظر گرفته شده که با توجه به محدودیت‌های حجم مقاله به همین میزان بسنده می‌شود.

۶- نتیجه‌گیری

- بر اساس آنچه گذشت، می‌توان موارد زیر را به عنوان نتیجه بحث مطرح کرد:
- ۱- سفر در اسلام زمانی جایز شمرده می‌شود که با هدفی خاص صورت گیرد و آدمی از خلال آن به هدف دار بودن آفرینش و درک دلایل خلقت موجودات پی‌ببرد و از آن برای کمال خود استفاده نماید.
 - ۲- سفر در اسلام به صورت غیر مستقیم نوعی عبادت شمرده شده که می‌تواند انسان را به مقام قرب الهی برساند.
 - ۳- سفر به منظور عبرت گرفتن از سرگذشت پیشینیان یا اقوام دیگر مورد تأکید اندیشه‌های اسلامی است.
 - ۴- برای سفر انواع متعددی از قبیل سفرهای عبادی (حج، جهاد، زیارت) علمی، تفریحی، رفع نیازهای زندگی، گسترش دین و... در نظر گرفته شده است.
 - ۵- مهمترین انگیزه‌های سفر در اسلام عبارت‌اند از: طلب علم، عبرت گرفتن، تهذیب نفس، رفع نیازهای مادی و دستیابی به تندرستی.
 - ۶- به هنگام سفر، مسافر باید مقدماتی را در نظر بگیرد و وظایفی را عهده‌دار شود. از جمله مقدمات سفر می‌توان از انتخاب زمان مناسب، دادن صدقه، خواندن نماز و دعا، خداحافظی، انتخاب همراه، ذکر مناسب به هنگام سفر، وصیت و تأمین مخارج زن و فرزند یاد کرد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج الفصاحه، مترجم و فراهم آورنده ابوالقاسم پاینده، انتشارات جاویدان، چاپ نهم، ۱۳۵۴.
۳. نهج البلاغه، ترجمه دکتر جعفر شهیدی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
۴. بخاری، ابو عبدالله، صحیح البخاری، مصر: عثمان خلیفه، بی تا.
۵. حافظ، خواجه شمس الدین محمد، دیوان حافظ، تصحیح علامه قزوینی و دکتر قاسم غنی، به کوشش عبدالکریم جریزه دار، چاپ چهارم، تهران، اساطیر، ۱۳۷۱.
۶. خاقانی، افضل الدین بدیل، دیوان خاقانی، به کوشش دکتر ضیاء الدین سجادی، چاپ سوم، تهران: زوار، ۱۳۶۸.
۷. خرماشاهی، بهاء الدین، دانشنامه‌ی قرآن کریم، دو جلد، تهران: انتشارات دوستان و ناهید، ۱۳۷۷.
۸. دهخدا، علامه علی اکبر و دیگران، لغت نامه دهخدا، تهران، سازمان لغتنامه، ۱۳۵۲.
۹. سجادی، جعفر، فرهنگ اصطلاحات عرفانی، چاپ ششم، ویراسته‌ی سید صادق سجادی، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۸۱.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، مترجم: محمدباقر موسوی، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۳.
۱۱. فروزانفر، بدیع الزمان، احادیث مثنوی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶.
۱۲. قطب الدین ابوالمظفر منصورین اردشیر العبادی، صوفی نامه، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۸.
۱۳. کاشانی، عزالدین محمود بن علی، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، با تصحیح جلال الدین همایی، چاپ سوم، تهران: موسسه نشرهما، ۱۳۶۷.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، حلیه المتقین، چاپ سوم، مشهد: به نشر، ۱۳۸۵.
۱۵. مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، تصحیح رالف نیکلسون، ۳ جلد، چاپ چهارم تهران: انتشارات مولی، ۱۳۶۶.
۱۶. مولوی، جلال الدین محمد، گزیده غزلیات شمس، دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۱۷. میدی، ابولفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عدة الابرار، چاپ چهارم، به سعی علی اصغر همت، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱.
۱۸. ناصر خسرو، دیوان، تصحیح سید نصرالله تقوی، تهران: انتشارات معین، ۱۳۸۰.